

## راهکارهای اجرایی مناسب، پشتوانه طرح ساماندهی اقتصاد

چکیده آن در شماره پیش به آگاهی رسید آقایان ایمانی‌راد، غنی‌نژاد، مشایخی و مظاهری به تشریح دیدگاههای خود در این زمینه پرداختند و برخی از مدیران شرکت‌کننده در این نشست نیز به طرح دیدگاهها و پرسشهای موردنظرشان پرداختند و شرکت‌کنندگان در میزگرد نیز به این پرسشها پاسخ دادند.

در بخش دوم میزگرد که چکیده آن در پی‌می‌آید نیز درباره مسایل گوناگونی از جمله اشتغال، مالیات و قیمت‌گذاری، سیاستهای پولی و مالی و چگونگی ارتباط با اقتصاد جهانی بحث و بررسی شده است.

توجه شما را به بخش دوم و پایانی میزگرد بررسی طرح ساماندهی اقتصاد کشور که در خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی برگزار شد جلب می‌کنیم.

طرح ساماندهی اقتصاد کشور از هنگامی که اعلام شد تاکنون، همچنان بحث روز است. به‌ویژه این طرح توجه بسیار دست‌اندرکاران اقتصاد کشور و مدیران بنگاههای اقتصادی را جلب کرده است. چرا که این طرح نه تنها برای امسال و سال آینده اهمیت دارد، بلکه از آن مهتر پایه‌ای برای برنامه سوم توسعه است. به این دلیل دست‌اندرکاران مسایل اقتصادی، کارشناسان و مدیران در نشست‌های علمی با تشریح ویژگیهای آن و برشمردن نقاط ضعف و قوتی که به نظرشان می‌رسد، هریک تلاش می‌کنند تا به سهم خود به اجرای موفقیت‌آمیز طرح کمک کنند.

اعضای خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی نیز با برگزاری یک میزگرد که در دو بخش اجرا شد، تلاش دارد تا به سهم خود در این راه گام بردارد. در بخش اول میزگرد که

می‌خواهد بکند تا از منابع استفاده بهینه شود. در ضمن استراتژی و اهداف کلی طرح معلوم نیست که چیست. امروز دنیا در آستانه ورود به قرن بیست‌ویکم است و ما هنوز بین مدیران خود بحث داریم. معلوم نیست که می‌خواهیم با مدیریت علمی کار کنیم یا با همین شرایط بیست سال گذشته کار کنیم. اگر به این پرسشها پاسخی داده شود ممکن است بستر مناسب ایجاد شود.

### ضمانت اجرایی طرح

در پاسخ به این پرسش آقای دکتر مشایخی به موضوع ضمانت اجرایی اشاره کرد و افزود: بالاخره از هر جا که بخواهید شروع کنید، باید ابتدا موضوع را مطرح کنید و همیشه هم می‌توان پرسید ضمانت اجرایی طرح ساماندهی چیست؟ من فکر می‌کنم می‌شود درباره نفس موضوع صحبت کرد. چون ضمانت اجرایی‌اش این است که دولت بگوید، بالاخره می‌خواهم اجرایش کنم و راه دیگری هم نداریم. اگر هر طرحی مطرح شود و بپرسیم که ضمانت اجرایی آن چیست؟

است. قانون کار قانون ضدکار است. قانون مالیاتها مناسب تولید نیست و قوانین بازرگانی تنها مختص واردات است. قانون بازرگانی برای کشوری که بخواهد کار صادراتی کند مناسب نیست. در این طرح از مقررات‌زدائی صحبت شده است ولی اینکه چه می‌خواهیم با قانون کار بکنیم یا اینکه نرخ مالیاتی را چه خواهیم کرد، معلوم نیست. امروز در جامعه ما واحدهای تولیدی که بالای ۳۰ میلیون تومان سود سالیانه دارند، ۶۵ درصد مالیات پرداخت می‌کنند. سرمایه داخلی کشور در سایر کشورها سرمایه‌گذاری می‌شود و هر روز شدت بیکاری افزایش می‌یابد. درست است که دولت دغدغه دارد اما من مدیر هم دغدغه دارم. به‌نظر من برای رفع مشکل اشتغال، طرح ساماندهی راه‌حل اجرایی ارائه نداده است.

یک مساله که در این طرح نادیده گرفته شده است مدیریت ناکارای بخش دولتی است. تمام منابع کشور به سمت بخش دولتی سرازیر است و معلوم نیست مدیریت بخش دولتی چه کار

همان‌طور که در بخش اول این گزارش اشاره شد در این نشست کارشناسان شرکت‌کننده به جنبه‌های گوناگونی از طرح ساماندهی و اما و اگرهای آن اشاره کردند. مدیران حاضر در جلسه نیز با طرح پرسشهایی به اظهارنظر درباره طرح می‌پرداختند. در ادامه نشست یکی از مدیران به ارائه دیدگاههای خود در اطراف «طرح ساماندهی اقتصاد کشور» پرداخت و چنین گفت: اولین بند از طرح ساماندهی اقتصادی، دغدغه دولت از اشتغال است. پرسش من این است که اشتغال چگونه ایجاد می‌شود؟ در هر جامعه‌ای بستر مناسب برای ایجاد اشتغال باید فراهم شود تا اشتغال ایجاد شود. اشتغال دستوری نیست. با دستور ایجاد کمیته و ستاد و نوشتن طرح، نمی‌توان اشتغال ایجاد کرد. دولت برای ایجاد بستر مناسب در جامعه بر اجرای قانون تاکید دارد که قانون باید اجرا شود. قوانینی که اشتغال را در جامعه سامان می‌دهند کدامند؟ این قوانین، قوانین مالیاتی، قوانین کار و قوانین بازرگانی هستند. این قوانین از دیدگاه مدیران رد شده

این پرسشی است که همیشه می‌تواند مطرح باشد صرف‌نظر از اینکه محتوا چیست.

بحث باید این باشد که اهداف طرح به فرض اینکه اجرا شود آیا مشکلی دارد و چگونه می‌توان مشکل را رفع یا کمبودها را جبران کرد. این پرسش شاید سازنده‌تر باشد تا اینکه بپرسیم، آیا طرح ساماندهی ضمانت اجرایی دارد یا نه.

تفاقی من فکر می‌کنم وقتی دولت منابع کمتر داشته باشد، امکان اجرا شدن بیشتر است چون دولت با داشتن منابع ممکن است دخالت کند و امکان اجرا را کاهش دهد. کمبود منابع دولت باعث خواهد شد که او بیشتر خود را کنار بکشد. نکته مهم این است که در این طرح نمی‌توان گفت که استراتژی آن معلوم است و این ایرادی است که دولت در برنامه سوم باید به این کمبود رسیدگی کند.

این طرح در برخی حوزه‌ها شروع به آزادسازی کرده است و دولت را در حاشیه قرار داده است. در برخی حوزه‌ها دولت نگران است که اگر رها کند کنترل را از دست خواهد داد پس این دو حوزه را باز کرده است. در فضای جدیدی که از نظر سازوکارهای اقتصادی ایجاد می‌شود، چه هدفهایی دنبال می‌شود و چه استراتژی‌هایی خواهد داشت؟ هنوز جای آن خالی است و جای بحث دارد. به عبارتی دولت قصد دارد مقررات و سازوکارهای حاکم بر سازمان را بعضاً تجدید سازمان کند. زیرا دولت یا مجموعه نگران است که ممکن است سیستم از دستش خارج شود. بویژه اینکه تجارب اروپای شرقی، چین و شوروی سابق را دارد. در چین حوزه‌های باز شد و حوزه دیگری را تحت کنترل داشتند و دائم فعالیتها را از نظر سازوکار اقتصادی از حوزه تحت کنترل به حوزه باز می‌فرستادند. به نظر من اگر بازخوردهایی که درباره طرح داده می‌شود به گونه‌ای باشند که اگر اشکالی در طرح وجود دارد روش تکمیل طرح را ارائه دهد، می‌توان گفت این بحث سازنده‌ای است که طرح را اصلاح خواهد کرد. وگرنه اگر تنها بپرسیم ضمانت اجرایی طرح چیست و متوقف شویم آن وقت همه باید دستهای خود را بالا ببریم.

### جامعه مدنی و بخش خصوصی

دکتر غنی‌نژاد درباره عملکرد بخش خصوصی به مطالب زیر اشاره کرد و گفت: آیا تصور نمی‌کنیم از سوی بخش خصوصی کم‌کاری شده باشد و اینکه ما تنها بدترین عملکردها را از



**\* دکتر مشایخی: اگر بازخوردهایی که درباره طرح داده می‌شود، به گونه‌ای باشند که اگر اشکالی در طرح وجود دارد، روش تکمیل طرح را ارائه دهد می‌توان گفت که این بحث، بحث سازنده‌ای است که طرح را اصلاح خواهد کرد. وگرنه اگر تنها بپرسیم ضمانت اجرایی طرح چیست و همانجا هم متوقف شویم، آن وقت همه باید دستهای خود را بالا ببریم.**

چشم دولت می‌بینیم. مثلاً اتاق بازرگانی از بخش خصوصی بعد از پیروزی انقلاب آنطور که باید نتوانسته است دفاع کند. بحث جامعه مدنی را که آقای خاتمی مطرح کردند، اتاق بازرگانی باید مطرح می‌کرد و بعد از گذشت بیش از یکسال از طرح جامعه مدنی، هنوز موضع خود را اعلام نکرده است. درحالی که جامعه مدنی یعنی بخش خصوصی. آنها باید دفاع و طرح می‌کردند که مثلاً این قانون کار بد است و بصورت تئوریک نیز توضیح می‌دادند تا راه‌حل پیدا شود، پس فقط مشکلات را از سوی دولت ندانیم.

اتاق بازرگانی به جای اینکه از بخش خصوصی دفاع کند، طرحی ارائه می‌دهد که دولت چگونه خصوصی‌سازی کند. درحالی که این جزء وظایف ایشان نیست. دولت خود تشخیص می‌دهد که مسایل خود را چگونه حل یا چگونه خصوصی‌سازی کند و وظیفه اتاق بازرگانی این بوده است که از بخش خصوصی دفاع کند که نکرده است. مشکلات ما، تنها دولت یا طرح ساماندهی نیست. هرکس باید مسئولیت خود را بپذیرد و کار خود را انجام دهد. نکته دیگر که مایلیم درباره‌اش صحبت کنم بحث تفاهم روی مسایل و مشکلات است. مثلاً در این نشست اگر به تفاهم می‌رسیم خیلی خوب است اما در مسایل علمی تفاهم باید علمی باشد، نه اینکه فقط همه راضی شوند. ممکن است که طرحی ارائه شود و بگویند ما به این تفاهم

رسیده‌ایم، بنده می‌پرسم آیا این تفاهم علمی است و مبانی علمی آن چیست روی کدام مبانی علمی به تفاهم رسیده‌ایم. صرف اینکه چند نفر با دیدگاههای مختلف در اینجا به تفاهم برسند و یکی درباره بازار کوتاه بیاید و دیگری از دولت کوتاه بیاید، این دیگر طرح و بحث علمی نیست. مثلاً اگر طرح اقتصاد بازار را بدهیم و مردم نارضاضی شوند، حق دارند. چون از ریزکار بی‌اطلاع هستند و ما باید توضیح علمی بدهیم. ما به تفاهم می‌رسیم که مثلاً در آزادسازی مقداری کوتاه بیائیم چون ممکن است مردم ناراحت شوند این دیگر بحث علمی نیست یعنی اگر از طرح خودمان اطمینان داریم باید از آن دفاع کنیم اگر مطمئن نیستیم نباید طرح را ارائه دهیم و اگر طرح را ارائه می‌دهیم از آن دفاع کنیم و به جلو برویم.

### تضمین‌های اجرای طرح ساماندهی

آقای مظاهری در ادامه بحث و بررسی طرح به تضمین‌های اجرایی طرح ساماندهی اشاره کرد و چنین گفت: یکی از تضمین‌هایی که می‌تواند عاملی برای به ثمر رسیدن این طرح باشد، همین نشست‌ها و صحبتها است که نوعی تبادل افکار به صورت قانونمند در مطبوعات نیز می‌تواند باشد تا نتیجه موردنظر حاصل شود. این نتایج می‌تواند زمینه‌های افزایش توان دولت برای انجام کار را فراهم سازد. ما باید بررسی کنیم که چه می‌توان کرد تا به کمک مدیرانی که در این‌گونه جلسات هستند، توان دولت در جهت انجام طرح افزایش یابد.

من به برنامه دوم اقتصادی اشاره می‌کنم که این برنامه تنها ۱۲ بند نیست بلکه دریای وسیعی است از تمام کارهای خوبی که می‌توان تصور کرد. به عبارتی دریایی است از ایده‌آلها و دریایی به وسعت گسترده بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

آنچه که در طرح آمده است همان دریای وسیع است که دولت مدنظر قرار داده و مبانی فکری خود را به نمایش گذاشته است. مثلاً مبانی فکری دولت مساله عدالت اجتماعی و مسایل اقتصادی و اجتماعی و از همه مهمتر مساله اشتغال است و مشکل اشتغال را محور قرار داده است و آمار را می‌دانید که هشت میلیون نفر بیکار را اگر بخواهیم حفظ کنیم باید نرخ رشد ۶ درصد داشته باشیم.

براساس آمار سال ۷۵، ضریب تکفل ۷۸/۸

درصد است. ضریب تکفل همان تعداد افراد زیر ۱۵ سال یا بالای ۶۵ سال و یا تعداد افراد بین ۱۵ تا ۶۵ سال است. با محاسبه نسبت ضریب تکفل، نیروهای کار مشخص می‌شوند. هرم سنی جمعیت تا سال ۸۵ به ۵۱/۳ خواهد رسید. یکی از دلایل پائین بودن نرخ پس‌انداز ما همین ضریب تکفل ۷۸/۸ درصد است. چون این ضریب بالاست. در سال ۸۵ به این نقطه خواهیم رسید که بخشی از این ۷۸/۸ درصد که زیر ۱۵ سال هستند بالا می‌آید و نرخ به ۵۱/۳ می‌رسد.

خلاصه کلام این است اگر برای این جمعیت که متقاضی بازار و آماده کار هستند اشتغال فراهم شود، به جز افزایش تولید، پس‌انداز و درآمد دولت، نرخ رشد پس‌انداز هم افزایش خواهد داشت. زیرا ضریب تکفل کم می‌شود و برعکس اگر این اشتغال ایجاد نشود چه اتفاقی خواهد افتاد و تکلیف این همه متقاضی کار چه خواهد بود؟

در طرح ساماندهی اقتصادی کشور آمده است که اشتغالی که در سال ۷۴ در کنار سایر شاخصهای خوب طرح ذکر شده است امروز مساله شماره یک ما شده است. طرح برخی از اهداف برنامه دوم را پررنگ کرده و از برخی هم صرف‌نظر کرده است. به عبارت دیگر روی برنامه دوم یک فیلتر گذاشته است.

اینکه مشکلات ما نسبت به سال گذشته افزون شده است تردیدی نیست. البته چون خواسته‌ایم برخی اصلاحات را انجام دهیم مشکلات زیاد شده‌اند. شما می‌دانید که اگر دولت تسهیلات تکلیفی را کم نمی‌کرد می‌توانست بخشی از مشکلات خود را حل کند. دولت هم در رابطه با کاهش قیمت نفت و اصلاحاتی که آغاز کرده است با مشکلاتی روبرو شده است و از دیگران یاری خواسته است. یکی دیگر از تضمین‌های اجرائی طرح این است که دولت در شرایطی که درآمد نفت کم شده است تسهیلات تکلیفی را هم کم کرده است. یعنی تسهیلات تکلیفی ۱۰۰ درصد اعتبارات بانکی را حدود ۴۰ درصد کرده است که آن هم برای تکمیل طرحهایی است که هزینه کرده است. این کار، دولت را در سختی قرار داده است. درباره اصلاح قانون مالیاتها در طرح گفته شد که در سال ۵۹ باید این اصلاح می‌شد ولی من از سال ۵۹ به عقب‌تر می‌روم. بنده گزارشی را مربوط به سال ۱۳۳۴ مطالعه کرده‌ام که نقدی بر برنامه هفت‌ساله دارد. در آن نقد به اصلاح

**\* دکتر غنی‌نژاد: در مسایل علمی، تفاهم باید علمی باشد، نه اینکه فقط همه راضی شوند. یعنی اگر از طرح خودمان اطمینان داریم، باید از آن دفاع کنیم. اگر مطمئن نیستیم نباید طرح را ارائه دهیم و اگر طرح ارائه می‌دهیم از آن دفاع کنیم و به جلو برویم.**

ساختار مالیاتی اشاره شده است. اگر ساختار مالیاتی ما هنوز نیاز به اصلاح دارد دلیلی ندارد که آن را در طرح نیاوریم. مگر اینکه یکی از اولویتهای ما نباشد. ولی به نظر تنظیم‌کنندگان طرح، ساختار مالیاتی یکی از موضوعهای مهم به حساب می‌آید که اصلاح نشده است و هنوز یکی از دغدغه‌های امروز است. اینکه چگونه این ساختار باید اصلاح شود، اصول آن در طرح آمده است و باید صبر کنیم و حتی به مسئولان کمک کنیم تا اصول در اصلاح ساختار مالیاتی کارساز باشد. ما اگر بتوانیم کمکهای فکری و عملی برای مسئولان داشته باشیم، بسیار خوب خواهد بود.

دکتر غنی‌نژاد در ادامه با اشاره به ساختار عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران و الگوی اقتصاد آزاد، بر تاثیر این الگو در شکوفایی اقتصادی تاکید کرد و افزود: همانطور که قبلاً هم گفته‌ام اقتصاد آزاد تنها راه توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع است و این الگو با دیدگاه نظام جمهوری اسلامی سازگاری دارد و اگر سازگاری نداشت این را مطرح نمی‌کردم.

هر کشوری که در دنیا پیشرفت کرده است از راه اقتصاد آزاد بوده و هر جا که اقتصاد آزاد ترمز داشته است، پیشرفت آن دچار مشکل شده است. یک نمونه در قرن بیستم را مثال می‌زنم. مورخان اقتصادی پیش‌بینی کرده بودند که اقتصاد روسیه در اواسط قرن یکی از بزرگترین قدرتهای اقتصادی دنیا می‌شود ولی انقلاب اکتبر این کشور را به یکی از کشورهای عقب‌مانده اقتصادی تبدیل می‌کند هرچند که ابرقدرت نظامی و سیاسی می‌شود.

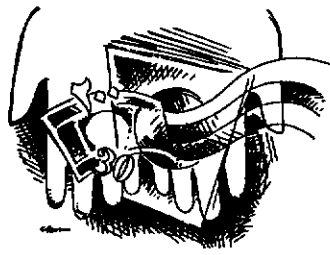
اگر به آسیای دور، آسیای جنوب شرقی، آمریکا یا آمریکای لاتین دقت کنید می‌بینید هر جا که اقتصاد آزاد داشته‌اند توسعه پیدا کرده‌اند و هر جا که متوسل به نظام سوداگری، نظام

انحصارها و نظام اقتصاد دولتی شدند، پیشرفت آنها متوقف شده است. نمونه‌های زیادی در تاریخ اقتصادی قرن بیستم وجود دارد که به مطالعه آنها می‌توان نتیجه گرفت که رابطه منطقی بین اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی وجود دارد. اینکه نظام جمهوری اسلامی در چه موقعیتی قرار دارد، نباید تصور کنیم که نظام جمهوری اسلامی تافته جدابافته است بلکه این نظام نظامی انسانی است و موضوع منحصر به فردی از تاریخ بشریت نیست بنابراین این نظام را باید در چارچوب تاریخ بشری تجزیه و تحلیل کرد.

### اقتصاد آزاد از نگاه طرح ساماندهی اقتصاد

مهندس مظاهری در توضیح دیدگاه طرح ساماندهی اقتصاد کشور درباره موضوع اقتصاد آزاد، بحث را چنین ادامه داد: من هم عقیده دارم که الگوی اقتصاد آزاد به آن معنا که بتواند نوعی سرمایه‌گذاری، تولید باتوجه به وجود میدا، رقابت و ابتکار ایجاد کند و باعث رشد سرمایه‌گذاری و تولید، رشد اقتصاد مملکت و نیز باعث رفاه مردم شود، هیچ ناهماهنگی با قانون اساسی و ساختار عقیدتی - سیاسی ما ندارد. در زمینه‌های اقتصادی ما باید در چارچوب قانون اساسی گام برداریم و در اصل ۴۴ قانون اساسی زمینه‌هایی محدود برای اقتصاد تعیین شده و برای آن به‌عنوان مالکیت دولتی تکلیف شده است. در آنجا هم در سیاستهای اصلاح ساختاری پیشنهاد شده تا بررسی شود که در زمینه‌های اقتصادی، حدودی که مشمول تصدی دولتی است، شناسایی و ارزیابی شوند و در همان زمینه‌ها از آن حدود به بالا در اختیار اقتصاد باز و مردم و بخش خصوصی قرار گیرد. این یکی از جهت‌گیریهای این سیاستهاست با حفظ محدودیتهای قانون اساسی فعلی. یکی از نشانه‌های حرکت طرح به سمت اقتصاد باز، زمینه‌های بانکداری اصل ۴۴ است که اگر آخرین بند آن مطالعه شود شرکت دادن مردم در برخی عملیات بانکی آمده است.

در سایر بحثهای سیاستهای اقتصادی آمده است، آنجا که براساس قانون اساسی باید مالکیت دولت حفظ شود، زمینه ایجاد مدیریت رقابتی را نیز باید فراهم سازیم. به عقیده من سیاستهای اقتصادی به سمت اقتصاد آزاد حرکت است و در آنجا بر کاهش تصدی دولتی تاکید دارد. مثلاً در شکل عملی کاهش تصدی آمده است که وزارتخانه‌ها، شرکتها، خود،



خود اداره نکنند یکی از اهداف طرح این بوده است که بحث سیاستگذاری وزارتخانه‌ها و تصدی دولتی را جداسازد تا آنجا که تصدی دولتی کاهش یابد، این روند نشانه این است که جهت‌گیری طرح در کدام سو است.

طرح درباره قیمت‌گذاری می‌گوید؛ برخی کالاها به دلایلی قیمت‌گذاری می‌شوند و بقیه نمی‌شوند پس اصل بر اساس عدم قیمت‌گذاری کالاها است مگر تعدادی کالای خاص.

درباره نظام قیمت‌گذاری باید گفت، این نظام باید قیمت‌گذاریهای واقعی را ببیند و هزینه‌های عوامل تولید را مدنظر داشته باشد به گونه‌ای که باعث کاهش تولید نشود.

آنجا که کالاها باید قیمت‌گذاری شوند براساس دو دلیل زیر است. نخست کالاها اساسی است که در زندگی مردم تاثیر دارند و رها کردنشان بدون ایجاد زمینه‌های افزایش تولید، کار درستی نیست. برای اینکه آزادی قیمت‌گذاری یکباره باعث افزایش قیمت‌ها نشود و فشار به مصرف‌کننده نیاید. دوم کالاها ای است که از نوعی انحصار برخوردارند. به هر حال بازار انحصاری کشورمان به گونه‌ای است که انحصار برای کالاها فراهم می‌سازد. در این حالت هم تا زمانی که رفع انحصار نشود، قیمت‌گذاری کالاها، راه ناگزیری است. زیرا تا زمانی که انحصار برای کالا وجود دارد و قیمت برداشته شود، هزینه‌های عدم کارایی انحصارگر به خریداران تحمیل می‌شود و قیمت کالا هم بالا می‌رود. از طرفی باعث افزایش تولید هم نمی‌شود. چون زمینه‌های انحصار وجود دارد. مگر دولت خود وارد کند یا اجازه واردات دهد. علت اینکه دولت این نقطه تامل را گذاشته است این است که قبول ندارد که برای رسیدن به این شرایط تعداد زیادی از جمعیت آسیب ببینند. زیرا اعتقاد دارد شوک‌تراپی یا آزاد کردن یکباره اقتصاد و قیمت‌ها باعث می‌شود تا به مردم آسیب وارد شود و این برای دولت نوعی هزینه اجتماعی است. این سیاست در کشور ما نقی شده است در نتیجه به سمت حرکت تدریجی رفته‌ایم. اگر این حرکت، ناهماهنگ پیش برود و در مقدمات بمانیم هم چوب را خورده‌ایم و هم پیاز را و این مورد تأیید نیست. ما باید کاری کنیم تا در مقدمه نمانیم و مساله امروز دولت باید این باشد که اگر حرکت‌های تدریجی باید انجام شوند؛ حتماً انجام شوند.

آقای مظاهری افزود؛ بخشی از تصمیمات اجرایی و سیاستها جزء اختیارات وزراء و

را از دست کسانی که می‌توانند اشتغال مولد ایجاد کنند خارج می‌سازد، باید بخوبی بررسی شود که برای ایجاد اشتغال چه کار می‌خواهیم بکنیم. یاد می‌آید در سال ۵۹ شیوه‌ای برای ایجاد اشتغال شکل گرفته بود که استاندارها، سهمیه اشتغال برای اداره‌ها، بانکها و کارخانه‌ها فراهم می‌کردند یعنی نیرو به آنجا می‌فرستادند و می‌خواستند تا پذیرفته شوند این شیوه‌ای بود که باعث ضعیف شدن واحد از نظر مالی می‌شد و فاقد سودآوری لازم بود و مشکلات پرسنلی آنها را انباشته می‌کرد و تولید واقعی را هم از دست می‌دادند. در صورتی که ایجاد اشتغال باید از طریق فراهم کردن زیربنای اطلاعاتی، مالی و سرمایه باشد تا کسانی که می‌توانند کارآفرین باشند یا بهره‌وری بالا دارند، بتوانند توسعه را ایجاد و تولید اشتغال کنند.

بحث دیگری در طرح وجود دارد که نگران‌کننده است. با مطالعه طرح و بر طبق گفته آقای مظاهری یک سری از بندهای طرح، راه اجرایی را روشن کرده‌اند و در بیش از ۵۰ درصد از بندهای طرح آمده است که نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت کشاورزی و وزارت جهاد حوزه‌های انحصاری را تعیین می‌کنند و راه رفع این انحصارات را نیز مشخص می‌سازند. در این مساله دو اشکال مهم وجود دارد که ممکن است طرح را با شکست روبرو سازد. اشکال اول اینکه معمولاً کارشناسانی که در بروکراسی اداری تجربه کرده‌اند و ذهن آنها با آن چارچوب شکل گرفته است، خیلی سخت می‌توانند ذهنیت شکل‌گرفته خود را آزاد کنند و در فضای کارا و آزاد خصوصی فکر کنند. راه کار چیست؟ به نظر

من راه این است که دولت از بخش خصوصی بخواهد که تیم‌هایی را تشکیل دهد که حداقل ۵۰ درصد آنها از بخش خصوصی باشند در غیر این صورت طرح با مخاطره روبرو خواهد شد. من فکر نمی‌کنم از آن ذهنیت‌هایی که در آن فضا رشد کرده‌اند چیزی حاصل شود تا بتوان میدان را باز کرد. هر جا نوشته‌ایم نماینده وزارت بازرگانی، جهاد و وزارت کشاورزی، باید از اتحادیه‌های کشاورزان، مرغداران و صنایع هم دعوت شود تا آنها بیایند و مسایل خود را مطرح کنند و می‌آیند. در این حالت دولت از یک قدرت فکری فوق‌العاده بالایی نسبت به آنچه که در وزارتخانه‌هایش برگزار می‌شود، برخوردار خواهد شد و سازوکارهای خود را با کارایی بیشتر

دستگاهها است. دولت خواسته است تا با سیاستهای خاصی، کارهای اجرایی انجام شوند. بخشی دیگر نیز جزء اختیارات دولتی است و قانون هم دارد. مانند بحث‌های سیاستهای ارزی که کلاً در اختیار دولت است. در تبصره ۲۹ قانون بودجه هم محدودیتی برای دولت تدوین نشده است و دولت درباره سیاستهای ارزی اختیار کامل دارد. البته مرحله بعدی طرح درباره سازماندهی دولت است که امروز در دولت مورد بحث قرار گرفته است.

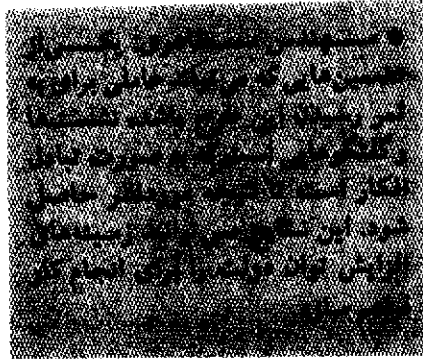
اقتصاد آزاد یا غیر آزاد؟ نقش دولت چیست؟ دکتر مشایخی در ادامه این بحث به نکات تازه‌ای درباره طرح ساماندهی اقتصاد اشاره کرد و گفت طرح ساماندهی اقتصاد دو زیربخش را معلوم کرده است یکی اینکه بر آن مقررات حاکم است و دوم وجود فضای آزاد اقتصادی است. این دو باید بخوبی روشن شوند، البته بخش سومی هم وجود دارد و آن اینکه برنامه ما برای حرکت از بخش دوم به اول با مقررات‌زدایی چه خواهد بود تا این شبهه را ایجاد نکند که تعدادی سیاست و ماده آمده باشد ولی روند طرح واضح نباشد.

این مطلب شفاف شود که مثلاً می‌خواهیم حوزه اقتصاد را آزاد بگذاریم تا نیروهای عرضه و تقاضا و کارایی و قابلیت و بهره‌وری عوامل اقتصادی، تعیین‌کننده پیشرفت باشد و به دلایلی هم مثل عدم امکان رهاسازی یا شوک‌های اجتماعی - سیاسی، بخش اقتصاد تحت‌اختیار و کنترل دولت است ولی برنامه تدریجاً این است که روند کار را پله‌پله آزاد سازیم و اگر برنامه انتقال را فعلاً نمی‌توانیم تأمین کنیم آن را به تدریج ارائه خواهیم داد. این شیوه به جای در کنار هم قراردادن مجموعه‌ای از مواد، روشن می‌سازد که جهت‌گیری طرح چیست.

درباره ایجاد اشتغال باید گفت که اگر هرگونه دخالتی برای ایجاد مشاغل کاذب، تحمیلی و غیره باعث هدر رفتن منابع خواهد شد و فرصتها



طراحی خواهد کرد. نگرانی بعدی در طرح ساماندهی، مساله نگرانی‌های دولت از معاش قشر ضعیف جامعه است. حدس من این است که حجم کل کمکهای دولت به جامعه خیلی زیاد است و اگر بتواند درست سازماندهی و هدفگیری کند خواهد توانست نیازهای اقشار ضعیف جامعه را رفع کند. از طرفی ممکن است بتواند برای آنها نوعی سرمایه انسانی فراهم سازد تا مشغول کار شوند. البته این مقوله پیچیده است. اگر به یارانه‌هایی که دولت روی مقوله‌های مختلف مثلاً انرژی می‌پردازد، توجه کنید، خواهید دید که این یارانه بطور مساوی تقسیم نمی‌شود مثلاً کسانی که امکانات بیشتر دارند مثل داشتن اتومبیل بیشتر یا خانه بزرگتر، از این یارانه بیشتر سود برده و استفاده خواهند کرد و قشر ضعیف‌تر کمتر بهره خواهند برد. اگر بتوان محاسبه‌ای کرد که حجم کل این یارانه‌ها چقدر است، چگونه توزیع می‌شود و چگونه می‌توان توزیع آن را کارآمدتر کرد تا بدون آنکه حجم آن زیاد شود درست هدفگیری شود، باعث خواهد شد از یک سو معیشت را رفع کند و از سوی دیگر سرمایه انسانی اقشار ضعیف بیشتر شود تا روی پای خود حرکت کنند تارشد و مهارت و تحصیل پیدا کنند. این یکی از مقوله‌ها و ابعاد مهم ساماندهی اقتصاد کشور است که شاید از کنار آن به اجمال گذشته شده باشد. اگر دولت بتواند این مساله را به خوبی سامان دهد، خواهد توانست از یارانه‌های خود بکاهد و بعد از راه افتادن اقتصاد، کل افرادی که زیر این پوشش قرار گرفته‌اند نیز کاسته خواهند شد. این نکاتی است که در طرح باید بهتر مورد بررسی قرار گیرد. در سخنان آقای مظاهری این استنباط وجود دارد که در طرح ساماندهی اقتصادی کشور دو مقوله ممکن است تاحدی مخلوط شده باشد. یک مقوله اینکه طرح ساماندهی می‌خواهد فضایی را ایجاد کند تا عوامل و بازیگران اقتصادی با تمام استعداد و کارایی بتوانند فعالیت کنند. مقوله دیگر اینکه مقررات و قواعد داخلی نهادهای اقتصادی مثل شرکت‌های دولتی چگونه است؟ این مقوله‌ای جداسازی است که نهاد مربوطه را توانمند یا ناتوان می‌سازد، به جای اینکه فضا را برای فعالیت آن آماده سازد. یعنی اگر فضای فعالیت باز باشد اما نهاد ناتوان باقی بماند، بعد از مدتی محو خواهد شد. بنابراین مهمترین کاری که طرح ساماندهی باید انجام دهد این است که فضای لازم را برای فعالیت ایجاد کند و وقتی می‌گوئیم



اقتصاد آزاد یعنی استعدادها، مهارتها و ابتکارات بتوانند میدان داشته باشند و بروز کنند تا از خودشان ارزشی تولید کنند. در نتیجه در جامعه رشد کنند و آنهایی که نمی‌توانند رشد کنند یا محو می‌شوند و یا مجبورند در درون یا زیرپوشش نهادهای رشد یافته بروند. طرح ساماندهی اقتصادی، اگر به ایجاد چنین فضایی توجه کند بسیار خوب خواهد بود. در ژاپن تا آنجا که من اطلاع دارم، بخش غیردولتی خیلی قوی است. یعنی انجمن‌های مدیریتی، صنایع و اتحادیه‌ها هستند که بسیاری از خطاها را تعیین می‌کنند و دولت با آنها ارتباط نزدیک دارد. یعنی ظرفیت فکری دولت در مقابل ظرفیت تحقیقاتی و فکری شرکت‌های ژاپنی خیلی کم است. ولی این دو با یکدیگر نوعی تعامل دارند، بطوری که در بسیاری موارد مطالعات دولتی را نیروهای فکری خارج از دولت یعنی همان سازمانها و اتحادیه‌ها انجام می‌دهند.

البته دولت با استفاده از آن نیروهای فکری باید استراتژی حرکت کلی برای خود ایجاد کند تا با امکانات و استعدادهای کشور هماهنگ باشد. در کسره این کار شد و حتی ژاپنی‌ها وقتی می‌خواستند حرکت کنند و به سمت سازندگی بروند ابتدا بررسی کردند که می‌خواهند روی چه صنایعی حرکت کنند، هرچند که نیروهای بازار هم به آنها صنایع خاصی را دیکته می‌کردند اما عقل جمعی و جهت‌گیری خاص آنها، کشورشان را در صنایعی سوق داد تا تشخیص داده شود در کدام صنایع حرکت کنند و فاز بعدی چگونه باشد. این فازبندی حرکت کل جامعه آنها، به نوعی حاصل تفکر جمعی از جمله بخش خصوصی بود. البته این تفکر تجلی نیروهای بازار نیز بود. این هدایت کلی در کشورهایی که جلو رفته‌اند، ضمن اینکه از اقتصاد آزاد بهره‌مند بودند، هدایت کلی دولت را نیز داشتند. که به عقیده من دولت ما نیز باید این حرکت را انجام

دهد و زیربنای اطلاعاتی، آموزشی و انسانی را فراهم سازد تا آن اتفاقات رخ دهد.

## طرح ساماندهی و بنگاههای اقتصادی

دکتر ایمانی‌راد با اشاره به وجود دیدگاههای مثبت نسبت به طرح بر شفاف شدن فعالیت‌های دولتی برای بنگاههای اقتصادی، تاکید کرد و در ادامه بحث چنین گفت؛ با شفاف شدن فعالیت‌های دولت، بنگاهها خواهند دانست که اهداف دولت چیست. از طرفی این شفافیت باید برای کارشناسان دولتی انجام شود. مثلاً باید روشن شود که اقتصاد آزاد چیست و چه تعریفی از آن داریم. چون یک سری ابهامات در متدولوژی طرح وجود دارد پس باید مشخص شود که اقتصاد آزاد یعنی چه و به دنبال چه نوع اقتصاد آزاد هستیم و آیا این طرح ما را از وضعیت موجود به آن اقتصاد آزاد هدایت خواهد کرد. چگونه و مثلاً در چه زمانبندی خاص؟ اگر این موارد روشن شود آنگاه طرح برای کارشناسان اقتصادی نیز شفاف خواهد شد. به نظر من طرح موجود شفافیت تئوریک و شفافیت متدولوژیک را ندارد. البته چند نقطه کلیدی و خوب در طرح وجود دارد. مثلاً شرکت‌هایی که در ورود موقت مشکل داشتند، مشکل خود را با چند بندی که در این باره آمده است حل کرده‌اند اما مشکلات و ابهامات دیگری برای بنگاهها وجود دارد که دولت چگونه و با چه ابزاری می‌خواهد هفت مشکل اساسی کشور را حل کند. البته به حسن‌نیت دولت تردیدی نیست اما حل کردن مشکلات با چنین اقدامات اجرایی با تردید روبروست.

با مطالعه نوشته دولت و شکافتن یکی از مشکلات خواهیم دید که مشکلات چقدر بزرگ هستند. در خلاصه مذاکرات دولت آمده است طی ده سال آینده جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر کشور از ۳۶ میلیون نفر در سال ۷۵ به ۵۰ میلیون نفر در سال ۸۵ خواهد رسید. این به آن معناست که اقتصاد کشور باید آنچنان قابلیت را در خود ایجاد نماید که بتواند به میزان دوبرابر متوسط اشتغال سالانه دهه ۷۵-۶۵ و سه برابر متوسط اشتغال سالانه دوره ۷۵-۷۰ ایجاد کند. یعنی اگر بخواهیم مساله اشتغال را حل کنیم، رشد اقتصادی ما باید سه برابر متوسط اشتغال سال ۷۵-۷۰ باشد.

طی سالهای ۷۵-۷۰ چه ویژگی‌هایی وجود نداشت که از سال ۷۵ قرار است ایجاد شود و چا

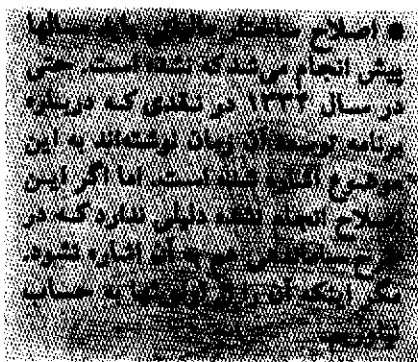
بیزی قرار است عوض شود که نرخ رشد ما کباره به میزانی برسد تا بتواند میزان اشتغال را ر کشور حل کند. چگونه می‌توانیم سالانه ۵۰۰ هزار نفر بیکار را که روانه بازار کار می‌شوند، جذب کنیم؟

تمام بندهای طرح را که مطالعه می‌کنیم قلابیت و منطق دارد و این خوب است اما مجموعه این طرح می‌تواند هفت مشکل اساسی کشور را حل کند؟ مثلاً یکی از این مشکلات و دغدغه‌ها، مساله تراز پرداختهای کشور است. راز پرداختها در سال جاری به بدترین سال در هداز انقلاب به جز سال ۱۳۶۷ رسیده است و سرای رفع این مشکل دائم بحث صادرات غیرنفتی مطرح می‌شود.

به جای اینکه هفت مشکل را یکجا بخواهیم حل کنیم، یک یا دو مشکل کلیدی را مورد حمله قرار دهیم و حل کنیم. برای این کار حتماً باید ثوری داشته باشیم. فرض کنید یک بنگاه تولیدی مورد بررسی قرار گیرد، این بنگاه مشکل کیفیت دارد، مشکل فروش و حقوق کارگران دارد، قدینگی او کم است، وام به او تعلق نمی‌گیرد و چندین مشکل دیگر. یک مدیر بطور استراتژیک چگونه با این مشکلات برخورد می‌کند. او می‌تواند چند برنامه کار اجرایی برای خود تدوین کند و یا به دنبال عامل اصلی باشد. مثلاً عامل اصلی می‌تواند مساله کیفیت باشد که باعث کاهش فروش و در نتیجه کاهش نقدینگی شده است پس پرداخت حقوق با مشکل روبرو شده است. یعنی اگر یک عامل را مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار دهد بقیه مسایل را زنجیره‌ای حل خواهد کرد. پس با یک ثوری مشکل بنگاه حل می‌شود.

در اقتصاد، ثوریه‌های کلانی وجود دارد که بر تمامیت اقتصاد کشور، سیاست و اجتماع ناظر است. خب یکی از این ثوریه‌های مایکرو باید یکی از استخوان‌بندهای طرح را شامل شود. در تجزیه و تحلیلی که از مشکلات اقتصادی انجام شد. هفت مشکل اساسی در اقتصاد فهرست شده است و دولت درصدد است این مشکلات را رفع کند. اما روشن نیست که چگونه قرار است این کار را بکند. پیشنهاد می‌شود که برای اجرای برنامه سوم مقداری کار ثوریک و نظری و مطالعات بیشتری روی طرح انجام شود.

در بررسی و مطالعاتی که با مجلس انجام شده است به این نتیجه رسیده‌ایم که دو مشکل اساسی در کشور وجود دارد. که اگر طرح روی



این دو مشکل متمرکز شود و این دو را محور سیاستگذاری خود قرار دهد و درجهت ساماندهی دو مشکل حرکت کند سایر مسایل به‌راحتی حل خواهند شد. این دو مشکل، کاهش شدید قیمت نفت و کسری شدید ترازپرداختهای خارجی یا افزایش شکاف عقب‌ماندگی ما از اقتصاد جهانی، هستند. برای حل این مشکلات صادرات کشور الزاماً باید شکل بگیرد. طرح می‌تواند یکباره به بخش صادراتی کشور حمله کند تا این مشکل که از بعد از انقلاب با آن درگیر بوده‌ایم رفع شود.

السته دخالت‌های بیش از اندازه دولت در اقتصاد که باعث برهم ریختن اقتصاد و عدم تخصیص کارای منابع و برهم ریختن نظم بازار می‌شود مطرح است. به نظر من طرح روی این مسایل تاکید دارد. اما نظر من این است که این دو مشکل هسته واقع شوند و درصدد حل آنها برآئیم تا آهسته‌آهسته سایر مسایل در پرتوی آنها حل شوند.

در این دو مشکل مادر بیماری اقتصادی یعنی «رکود تورمی» نیز وجود دارد. یعنی این رکود تورمی تورم را ایجاد کرده است و رکود را نیز بوجود آورده است. خب تورم و رکود ایجاد شده است، درآمد خانوارها نیز پائین آمده است و خودکار قدرت درآمد اقشار آسیب‌پذیر نیز کاهش یافته است. در نتیجه بحث عدالت اجتماعی در طرح مطرح شده است. تردیدی نیست که روی طرح، مطالعات وسیع و کوشش‌های فراوانی انجام شده است و طرح می‌خواهد مشکلات را رفع کند اما حل مشکلات با تردید روبروست.

### هفت مشکل اساسی یا دغدغه‌های دولت

دکتر مشایخی درباره دغدغه‌های دولت و مشکلاتی که پیش‌رو دارد، دیدگاه‌های خود را چنین مطرح کرد؛ با مطالعه هفت مشکل یا

دغدغه‌های دولت باید بررسی کنیم که محدودیت‌هایی که برای تنظیم سیاستها و برنامه وجود دارند، کدام هستند. مثلاً همین ترازپرداختها که مطرح است خود یک محدودیت است و یا این مشکل که بودجه دولت وابستگی زیاد به درآمد نفت دارد نیز یک محدودیت است ولی برخی از اینها خود نوعی هدف‌گذاری است مثل تامین حداقل معاش یا بالا بردن اشتغال و سرمایه‌گذاریها. اینها ماهیت هدف دارند. نکته دوم من درباره سیستمی بودن اقتصاد است. اقتصاد یک سیستم است و جنبه‌های مختلف آن به یکدیگر مربوطند. وقتی قصد داریم به صادرات توجه کنیم، باید تولید را راه بیاندازیم. اگر تولید نباشد چگونه می‌توان مساله صادرات را حل کنیم اگر بخواهیم تولید را راه بیاندازیم باید به مقررات‌زدائی بپردازیم یعنی حلقه‌هایی به هم مربوط هستند که اگر می‌خواهیم سیستم را حرکت دهیم باید مجموعه‌ای طراحی شود. اگر به یک نقطه از این مجموعه فشار وارد کنیم و بقیه نقاط را رها کنیم معلوم نیست که سیستم جواب دهد. به عبارتی منظورم وابستگی جنبه‌های مختلف اقتصاد در یک سیستم است که باید با یکدیگر کار کنند تا سیستم حرکت داشته باشد.

### مشکلات صادرات، یارانه‌ها و قوانین بانکداری

آقای مظاهری درباره رونق صادرات و مساله پرداخت یارانه‌ها به بنگاه‌های اقتصادی و نیز در پاسخ به سخنرانان قبلی چنین مطرح کرد که با تولید فعلی اگر بخواهیم صادرات رشد کند یا به عبارتی اگر بیشتر از حد ظرفیت صادرات بخواهیم آن را باد کنیم این باعث رونق صادرات نمی‌شود. در گذشته نیز تجاربی در این باره داشتیم و صادرات را به‌عنوان اقدامی درجهت رشد تولیدی کشور مدنظر نداشتند.

در متن طرح ساماندهی تعداد زیادی از بندها برای حل مشکل صادرات به آن حمله کرده است و می‌توان گفت محور اصلی تصمیمات اقتصادی گرفته شده بر روی صادرات بنا گذاشته شده است که حدود ۱۵ بند از ۵۱ بند و چند بند هم از طرح ۳۲ بند به صادرات اختصاص یافته است و مجموعه این بندها می‌تواند درجهت حل مشکل صادرات گام بردارد.

درباره بند یارانه که آقای مشایخی مطرح کردند که از منابع فعلی بدون افزایش آن با تجهیز

بهرتر این منابع بتوان به هدف بهتری دست یافت باید گفت این گفته درست است.

به اعتقاد من در طرح مساله یارانه‌ها خیلی گذرا، مطرح شده است که «بحث یارانه‌ها تا زمانی که سیستم جایگزینی برای آن تعیین نشود تا هدف را تامین کند، به قوت خود باقی می‌ماند».

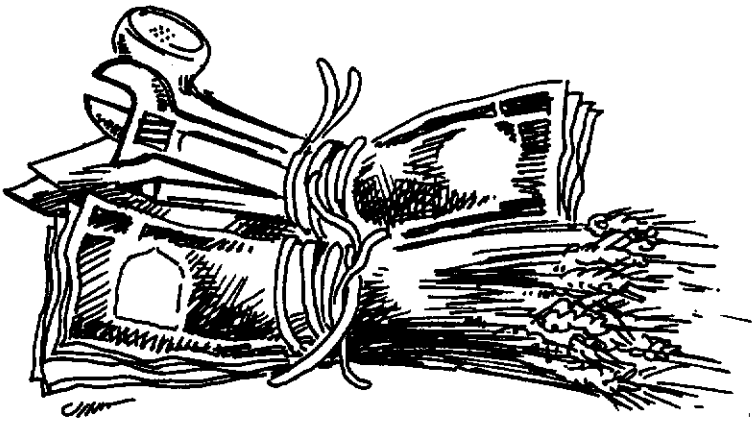
همانطور که می‌دانید روی بحث یارانه‌ها حساسیت خاصی وجود دارد و مساله اجتماعی یارانه‌ها بسیار مهم است و باید طوری طراحی شود که اثرات مثبت داشته باشد.

درباره کسری ترازپرداختهای خارجی و حفظ موازنه پرداخت ارزی کشور شاید دو نکته مهم باشد، یکی حفظ ترازپرداخت سالانه و دوم ترازپرداخت کلی است. آنچه که در بانک مرکزی اهمیت دارد حفظ ترازپرداخت کلی ارزی کشور است و با جهت‌گیری می‌تواند کسری درآمد چندین میلیارد دلاری نفت را احتمالاً با جذب منابع یا افزایش صادرات بهبود بخشد. تا بتوان با حفظ موازنه پرداخت کلی کشور کسری درآمد سالانه را تامین کرد.

درباره ناسازگاری قوانین طرح با قوانین فعلی که مطرح شده است باید گفت، اگر منظور قوانین بانکداری است، قانون بانکداری اسلامی موجود است و موارد اجرایی در این قانون قابل اجرا است. اما اگر هر بخش قوانین طرح با قوانین موجود سازگار نباشد، دولت از مجلس اصلاح قوانین را خواهد خواست. اما در حال حاضر، در قانون بانکداری بدون ربا مشکل قانونی با مجلس نداریم.

### قانون کار؛ مشکلی در فرایند تولید

یکی از مدیران حاضر در جلسه با اشاره به مشکلات تولیدی کشور به بحث دلایل ایجاد مشکلات تولیدی پرداخت و چنین گفت؛ می‌دانیم قانون کار در صنایع و کارخانه‌های ما حاکم بر روابط کار در درون سیستمهای تولیدی است و یکی از مشکلات تولید در صنعت کشور خود قانون کار و مشکلات این قانون است. در کشوری که از نظر نیروی بیکار با مشکل روبه‌روست تمام کسانی که در صنعت سرمایه‌گذاری می‌کنند به دنبال سیستمهای تمام مکانیزه برای احتراز از جذب نیروی انسانی هستند. درست برعکس کشور هندوستان، این کشور که ۲۱ میلیون تن شکر تولید می‌کند استفاده از دروگرهای ماشینی را کلاً ممنوع کرده



است زیرا هندوستان نیروی کار دارد و استفاده از نیروی کار برای او با صرفه‌تر است زیرا نیروی کار ارزان است. اما در کشور ما چنین چیزی نیست زیرا وقتی ما درباره اقتصاد آزاد و بیکاری صحبت می‌کنیم، در اصل مقوله‌هایی به‌شمار می‌روند که با قوانین کار فعلی در تضاد هستند. می‌توان تحقیق کرد که آیا بازخورد اطلاعات و درددل صاحبان صنایع را در اختیار داریم و آیا آن را با قوانین فعلی در برنامه‌های خود مدنظر قرار داده‌ایم یا نه؟ در اصل اقتصاد آزاد، قوانین و شرایط ویژه خود را می‌طلبد. حق بیکاری می‌تواند پرداخت شود ولی کارگر غیرکارا که استعداد یادگیری و آموزش برای تصدی یک تولید را ندارد، نباید حفظ شود. امروزه قانون کار چنین کارگری را برمی‌گرداند و حقوق معوقه او را می‌پردازد و همان پست را به او می‌دهد. در نهایت ملاحظه می‌کنیم که تولید ما چه به لحاظ قیمت تمام شده حتی با قیمت ارز حدود ۶۰۰ تومان قابل رقابت در بازار بین‌المللی نیست. از نظر کیفیت هم مشکلاتی در تولید محصولات داریم که ناشی از نبود پیگیری آموزش فراگیر است. نیروی انسانی داریم ولی از نظر سرمایه انسانی فقیر هستیم. پس برای شکوفایی اقتصاد باید نیروی انسانی خود را با آموزش فراگیر در تمام رده‌ها به سرمایه انسانی مبدل سازیم.

درباره قانون بانک باید گفت که بانکهای ما خود را سرور و کارفرمای مشتری می‌دانند ما برای دریافت پول خودمان با مشکل روبرو هستیم این بانک قادر نیست برای یک اقتصاد آزاد حتی برای یک اقتصاد در حال شکوفایی غیرآزاد خدمات ارائه دهد. سیستم بانکی ما بسیار غیرکارا است.

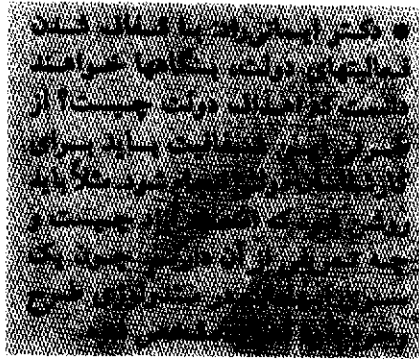
### راه کارهای اساسی

دکتر غنی‌نژاد در پاسخ به دیدگاههای

مختلف که قوانین کار و بانکداری را ترمزی در جهت شکوفایی اقتصاد کشور می‌دانند چنین ابراز عقیده کرده؛ مشکل قانون کار وجود دارد اما برای حل آن نباید به دولت رجوع شود چون مساله دولتی نیست بلکه مشکل خودتان است این مشکل از سوی مجلس گذشته است و شما باید از موضع خودتان دفاع کنید باید در مطبوعات و مجامع عمومی نشان دهید که قانون کار، قانون خوبی نیست تا مجلس قانون کار را عوض کند. دولت نمی‌تواند در شرایط فعلی قانون کار جدیدی ارائه کند. تا قانون کار بازار باشد. دولت می‌تواند نقش یک داور را ایفا کند و بخش خصوصی است که باید نشان دهد که منافع جامعه در کجاست و قوانین را در آن جهت سوق دهد.

اما مساله بانکها که مطرح شده است آنها خود را سرور دیگران می‌دانند، به این خاطر است که سرمایه پولی در جامعه ما ارزان است. اینکه چرا بنگاهها اقدام به استخدام کارگر نمی‌کنند به دو دلیل است یکی به خاطر اشکال قانون کار است و دوم روش تولید سرمایه‌بر در ایران کارا است. چون سرمایه به نسبت نیروی کار، ارزان است. نرخ بهره را با سیستم ناکارای بانکی خود، پائین نگه داشته‌ایم و تمام بازار پولی ما در اختیار دولت است و با نرخهای پائین در اختیار متقاضیان می‌گذارد. یعنی در جامعه ما، نرخ بهره بصورت مصنوعی پائین است. می‌دانید که نرخ بهره هزینه سرمایه است و هزینه سرمایه پائین است اما هزینه نیروی کار به نسبت هزینه سرمایه بالاست. خب مردم به سمت تولید سرمایه‌بر می‌روند. درحالی که اگر مشکل ما مساله اشتغال است باید کاری کرد تا سرمایه به قیمت واقعی‌اش به بازار عرضه شود. و اگر اقتصاد و نظام پولی ما آزاد نباشد، چنین





سیستمی بوجود نخواهد آمد. سیستم بانکی ما هم سیستم سوپسیدی است. مثلاً نرخ بهره بیرون و نرخ بهره بانکی را مقایسه کنید، مابه‌التفاوت آن سود است یا رانتی است که در اختیار متقاضیان و وام‌گیرندگان قرار می‌گیرد و این یکی از بدترین نظامهای بانکی دنیاست که وجود دارد. نظام بانکی ما نظامی غیرکارا است و غیرعادلانه. چون به سپرده‌گذاران بهره اندک می‌دهد و با پول سپرده‌گذارانی که پس‌اندازهای متوسط و کم دارند به افراد قوی اقتصادی سوپسید می‌دهد و فشار هزینه‌ای روی افراد سپرده‌گذار کوچک وارد می‌شود. سیستم بانکی ما باید اصلاح شود بانکهای ما باید مسئولیت خود را بیشتر کنند. از نظر نظام بانکداری تمامی بانکهای ما اگر اصولی بررسی شوند ورشکسته هستند. انتقاد من به ساماندهی اقتصادی نیست بلکه انتقاد من به روشنفکران، اقتصاددانان، بخش خصوصی و در آخر دولت است. هیچکس کار خود را انجام نمی‌دهد. مثلاً بخش خصوصی چرا از خود دفاع نمی‌کند. چرا درباره نظام بانکداری یا قانون کار از خود دفاع نمی‌کند. این را بر عهده دولت نگذارید همه کم‌کاری می‌کنند.

### جذب سرمایه‌های خارجی و رکود

آقای مظاهری در ادامه این بحث به برخی پرسشهای مطرح شده پاسخ گفت. وی در پاسخ به چگونگی جذب سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور یا کلاً سرمایه‌های خارجی چنین اظهار کرد؛ در این باره فعلاً دو مشکل در طرح وجود دارد یکی مشکل امنیت سرمایه‌گذاری و دوم بحث مقررات و قوانین و نیز روشن بودن و تضمین‌های اداری، اقتصادی و دولتی است.

درباره تضمین‌ها، مجوزها و مراحل مربوط به جذب منابع خارج از کشور و داخل می‌توان گفت اقداماتی صورت گرفته است مثل بازکردن حسابهای ارزی و اینکه منشاء داخلی و خارجی آن دیده نشود، وثیقه‌ای ارائه شود تا با این وثیقه بتوان «السی» بازکرد تا نیازی به مثلاً فیش ارزی نباشد. این زمینه‌ها می‌تواند باعث جلب اعتماد سرمایه‌گذاران شود. چون تجربه قبلی ناموفق بوده است یعنی بانکها حسابهای ارزی را باز کردند و پولهای سرمایه‌گذاران را گرفتند اما زمان بازپرداخت با مشکل روبرو بودند. پس تجربه مجدد و ایجاد اعتماد دوباره زمان می‌خواهد و امیدواریم این بار دولت باتوجه به تجربه قبلی بتواند بخشی از منابع را باتوجه به پندهایی که در

زمانی که سرمایه‌های داخل کشور آن کارایی و بهره‌وری لازم را نداشته باشند هرچقدر برای سرمایه‌گذاری در داخل، امنیت و ضمانت ایجاد کنید باز سرمایه‌های خود را وارد کشور نمی‌کنند. بنابراین جذب سرمایه‌های خارجی از کانال رفع موانع و گرفتارهای جاری موجود در سرمایه‌گذاری داخلی، امکان‌پذیر است. یعنی آنهایی که در ایران قبلاً سرمایه‌گذاری کرده‌اند و درگیر تولید هستند اگر سودآوری داشتند و راحت بودند این زمینه‌ای است برای آمدن سرمایه‌های داخلی و بعد خارجی. باید موانع رفع شوند و اگر تنها مقررات را تسهیل و آسان کنیم و نتوانیم سرمایه‌های خارجی را وارد تولید کنیم هیچ مشکلی حل نخواهد شد.

دکتر مشایخی افزود؛ اینکه طرح ساماندهی چگونه درباره رفع رکود اقتصادی فکر کرده است به اعتقاد من برای خارج شدن از رکود باید بازارهای جدید پیدا کرد. اگر طرح بتواند موانع صادرات را رفع کند که در قواعد اجرایی طرح مقداری سهولت ایجاد شده است و اگر بتواند بازارهای داخلی را به بازارهای خارجی متصل کند که این به سیاستهای خارجی ربط دارد، می‌توان امیدوار بود با رشد صادرات، سرمایه‌های خارجی نیز جذب کشور شوند.

روش دیگر خارج شدن از رکود راه‌اندازی بخش مسکن است. با راه‌اندازی بخش مسکن و چفت آن با سایر بخشها مثل تهیه مصالح و ایجاد قدرت خریدی که در این بخشها ایجاد می‌شود، خود روی سایر بخشهای اقتصاد اثر می‌گذارد و باعث رونق آنها می‌شود. راه دیگری که ممکن است به رکود کمک کند راه‌اندازی بخش سرمایه‌گذاری است و می‌دانید که بخشی از تقاضاهای نهایی خود سرمایه‌گذاری است یعنی تماماً مصرف نیست. در حال حاضر در کشور حلقه‌هایی برای صادرات داریم که اگر درست شناسایی شوند امکان بازشدن میدان برای آن باشد، مقرون به صرفه هستند. بنابراین سه عامل توسعه مسکن، تسهیل و تسریع سرمایه‌گذاری و تسهیل صادرات برای کاهش یا از بین بردن رکود در اقتصاد می‌تواند موثر باشند.

### جایگاه جهانی ایران از نظر اقتصاد

دکتر ایمانی‌راد، در بخش پایانی نشست بررسی و تجزیه و تحلیل «طرح ساماندهی اقتصادی کشور» به معرفی جایگاه ایران در اقتصاد جهانی پرداخت و به اهداف کلی طرح

این باره در طرح ساماندهی آمده است، جذب کند.

بحث مهم در این باره این است که در حال حاضر اکثریت شاغل در دستگاههای دولتی یا خصوصی نمی‌دانند که اگر بخواهند سرمایه‌گذاری خارجی کنند چه کار باید انجام دهند. باتوجه به وجود فرمولهای مختلف مثل بند «ل» تبصره ۲۹ یا «بای‌بک»، «فاینانس» و یا مشارکت، آنها به درستی نمی‌دانند که چگونه باید این پروسه را آغاز و به کجا ختم کنند. مثلاً در بحث بای‌بک و بیع متقابل، تضمینی برای اینکه اگر روزی مساله صادرات برای صادرکنندگان منع شود، چگونه خواهد شد، نیامده است و این پرسشی است که هم دستگاههای دولتی و هم بخش خصوصی با آن روبرو هستند. مسیر مربوط به جلب سرمایه‌های خارجی دقیقاً شفاف نیست.

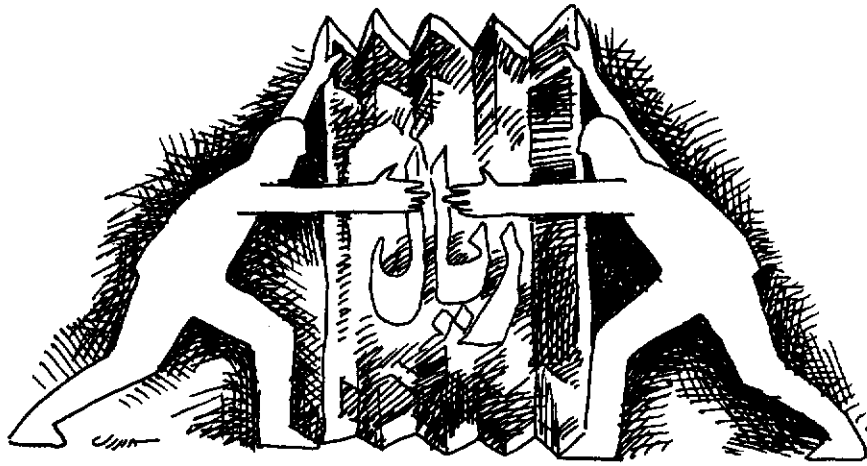
یکی از برخوردهایی که در طرح درباره جذب سرمایه‌های خارجی شده است تفکیک مسیرها و روشهای مختلف برای ورود سرمایه‌های خارجی جهت سرمایه‌گذاری است و عنوان آن به صورت ریز مطرح شده است. باید روشن شود که گردش کار هر مرحله در این مسیر چگونه است و چه عواملی در آن درگیرند و تضمین‌ها کدامند.

به نظر می‌رسد مسیرها و روشهای جذب سرمایه‌های خارجی احتیاج به اصلاح دارد و امید است تا دو ماه آینده اصلاح شوند و به اطلاع سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی برسد. آنها نیز احتمالاً این شیوه سرمایه‌گذاری در ایران را آزمایش خواهند کرد، اگر پاسخ مثبت بگیرند، قاعدتاً این روند، توسعه پیدا خواهد کرد.

آقای مشایخی درباره ورود و خروج سرمایه گفت؛ درست است که ورود سرمایه‌های خارجی و مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در کشور باید آسان و به نوعی ضمانت منطقی شود. ولی تا



ساماندهی اشاره کرد و گفت؛ این طرح قرار نیست تمامی مسایل اقتصادی و سیاسی کشور را حل کند و تنها به بخشی از مسایل اجتماعی، اقتصادی که در حوزه اقتصاد وجود دارند، توجه دارد. به نظر من مساله سرمایه‌گذاری خارجی در مسایل سیاسی و اجتماعی نهفته است و ما باید در آن حوزه‌ها به دنبال بخش قابل توجهی از موانع باشیم نه در حوزه‌های اقتصاد. یعنی جایی که سرمایه‌گذاران داخلی سرمایه‌گذاری نمی‌کنند چطور می‌توان از سرمایه‌گذاران خارجی توقع داشت تا بیایند و در کشور سرمایه‌گذاری کنند. بویژه اینکه در کشور در این زمینه ریسک و مشکلات فراوانی وجود دارد. بررسی‌هایی که انجام شده است نشان می‌دهد که از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ که حدود ۳۰ کشور نسبت به یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته‌اند، این کشورها از نظر ورودشان به نظام اقتصاد جهانی به سه گروه کشورهای سریع، متوسط و کند تقسیم شده‌اند که کشور ایران در رده کشورهای کند قرار گرفته است. در این رده‌بندی ایران از کشورهای سوریه، بنگلادش، زیمبابوه، ویتنام بسته‌تر عمل می‌کند. این آمار از منبع ERT در گزارش ژوئن ۱۹۹۶ است که اخیراً در نشریه بورس چاپ شده است. در بررسی درهم‌آمیزی اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی آمده است؛ ایران که درجه درهم‌آمیزی بین‌المللی‌اش با کشورهای ترکیه، اندونزی، مالزی، کره جنوبی، هند، ژاپن، آلمان، آمریکا، مصر، مراکش و چین مورد مقایسه قرار گرفته است پائین‌ترین سطح درهم‌آمیزی اقتصادی را داشته است و سرعت درهم‌آمیزی جهانی ایران پائین‌ترین بوده است، نسبت تعدیل شده تجارت به تولید ناخالص داخلی‌اش پائین‌ترین میزان را داشته است، تغییر در نسبت تجارت بین‌المللی (میزان صادرات و واردات) نسبت به تولید ناخالص داخلی از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳، ۰/۰۴ درصد یعنی پائین‌ترین تغییر در سطح جهان را داشته است، از نظر رتبه‌بندی اعتبار مالی بین‌المللی ما پائین‌ترین رتبه بوده است، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی صفر بوده است، تغییر در نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی نیز صفر بوده است، نسبت صادرات صنعتی در سال ۸۱ تا ۸۳ حدود ۳/۵ درصد بوده است که در مقایسه با ۲۲ درصد، ۸۶ درصد و ۹۶ درصد سایر کشورها، رقم ۳/۵ درصد بسیار پائین است و تغییر در نسبت



**\* اقتصاد یک سیستم است و جنبه‌های مختلف آن به هم مربوط هستند. وقتی قصد داریم به صادرات توجه کنیم، باید تولید را راه بیاندازیم. چون اگر تولید نباشد چگونه می‌توان مساله صادرات را حل کرد. و اگر بخواهیم تولید را راه بیاندازیم، باید به مقررات‌زدایی پردازیم. یعنی این حلقه‌ها به هم مربوط هستند و اگر می‌خواهیم سیستم را حرکت دهیم، باید مجموعه‌ای طراحی شود.**

**\* بنگاه‌ها به دو دلیل کارگر استخدام نمی‌کنند. یکی به خاطر اشکالات قانون کار است و دیگر اینکه روش تولید سرمایه‌بر در ایران کارایی بیشتری دارد. چون سرمایه به نسبت نیروی کار ارزان است.**

صادرات صنعتی سالهای ۸۱ تا ۸۳، ۰/۰۱ درصد منفی است.

اگر به این حقایق دقت شود متوجه خواهیم شد که درجه ادغام ما در نظام جهانی بسیار پائین است و خیلی زود است که کشور الان بتواند سرمایه‌های خارجی را جذب کند و مسایل و مشکلاتی را که در آن هستیم بتواند حل و فصل کند. بنابراین از طرح ساماندهی با مسایل و مشکلاتی که تاریخاً به ریاست جمهوری ارت رسیده است، نمی‌شود انتظار داشت که یکباره بخواهد مشکل سرمایه‌گذاری خارجی را حل کند. به اعتقاد من ما باید در ابتدا مشکل سرمایه‌گذاری داخلی خودمان را حل کنیم.

### پیشنهاد‌های ارائه شده درباره طرح ساماندهی اقتصاد کشور

پیشنهاد‌های ارائه شده در پایان این نشست

به شرح زیر مطرح شد؛

- طرح با نیروهای تخصصی و سرمایه‌های تخصصی کشور، برخورد مستقیم نکرده است و باید برای جلوگیری مهاجرت‌ها و مسایل مربوط به حفظ و نگهداشت نیروهای انسانی، اقداماتی را در نظر بگیرد.

- در طرح تعدیل نرخهای بالای مالیاتی و درصدهای بالای حق بیمه و عوارض متعددی که از صنایع گرفته می‌شود، پیش‌بینی نشده است و پیشنهاد می‌شود این موارد پیش‌بینی شود.

- طرح در بخش سیاستهای بازرگانی داخلی بطور جدی به قضیه نپرداخته است.

- پرسش شده است که آیا تحلیلی از عدم موفقیت برنامه‌های قبل وجود دارد تا براساس آن طرح ساماندهی اقتصاد کشور طوری طراحی شود تا موفق شود؟

- نقش نیروی انسانی را حتماً در برنامه‌ریزی استراتژیک و در برنامه‌های طرح ساماندهی مدنظر بگیرند.

- پیشنهاد شده است انحصارات که تماماً دولتی نبوده و بعضاً خصوصی هستند، حذف شوند و در طرح مکانیزمهای لازم برای تحقق این امر پیش‌بینی نشده است.

- جذب سرمایه‌های خارجی بسیار مهم است که در طرح بیشتر به آن پرداخته شود. □



## اندیشه پردازان

مشاوره و اجرای سیستمهای صنعتی و مدیریت

حاصل تخصص و تجربه ما، در قالب جامع ترین سیستم های اطلاعاتی صنعتی در اختیار شماست:

### نرم افزارهای کامپیوتری

- برنامه ریزی مواد، برنامه ریزی تولید، درخت محصول.
- برنامه ریزی نگهداری و تعمیرات پیشگیرانه.

### خدمات مشاوره ای

- جهت اخذ گواهینامه سری ISO 9000
- ارائه راه حل های جامع مدیریتی در صنعت.

۸۸۸۵۰۴۳

تلفن و فاکس: ۸۷۸۴۵۹۸

## ◀ دیروز:

## پرس و جو

## ◀ امروز:

# تحقیقات بازاریابی

تولید کنندگان و تاجران قدیمی تلاش می کردند با روش پرس و جو بازار مصرف را بشناسند، اما تولید کنندگان و بازرگانان امروزی از روش علمی تحقیقات بازاریابی استفاده می کنند.

## توزیع کالا يك مشکل عمده است

بررسی کانال توزیع در تحقیقات بازاریابی نشان می دهد:

- ◀ قوت و ضعف روش های فعلی کدامند؟
- ◀ توزیع کنندگان چه انتظاراتی دارند؟
- ◀ مناسب ترین روش برای انتخاب نمایندگی های توزیع و فروش کالاها چیست؟
- ◀ زمان رسیدن کالا به دست مشتری و هزینه توزیع کالا چقدر باید باشد؟
- ◀ بخش تحقیقات بازاریابی شرکت مبلغان آماده مشاوره با شماست.

تهران، خیابان شهید بهشتی،

خیابان شهید سرفراز (دریای نور)، کوچه پنجم، پلاک ۳۳

تلفن: ۸۷۴۸۰۳۹، ۸۷۴۸۰۳۸، ۸۷۴۸۰۳۸ فاکس: ۸۷۳۶۰۸۸



ایران بازرسی  
IRAN BAZRIDI

۱ حضور در تهران، مازک، بندر عباس، بندر امام خمینی، بندر ماهشهر، بندر کیش، بندر لنگرک، بندر میناب، بندرعباس، بندر چابهار

تلفن: ۸۸۲۷۷۷۷-۸، فکس: ۸۸۲۶۵۲۸

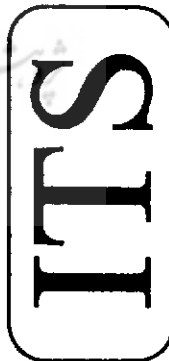
مرکز فراموش نمی کنیم شما حق انتخاب دارید

با حضور در ۵۵ دفتر جهان با حضور ۱۰۰۰۰ متخصص و ۱۰۰۰۰ مرکز آزمایشگاهی که واردات ایران را بازرسی می کند

شامل شرکت های بازرسی CAIB Brest و GIMSI

*The world's largest product and commodities testing organization*

## Intertek Testing Services



کیفیت بالا در بازرسی کالا